

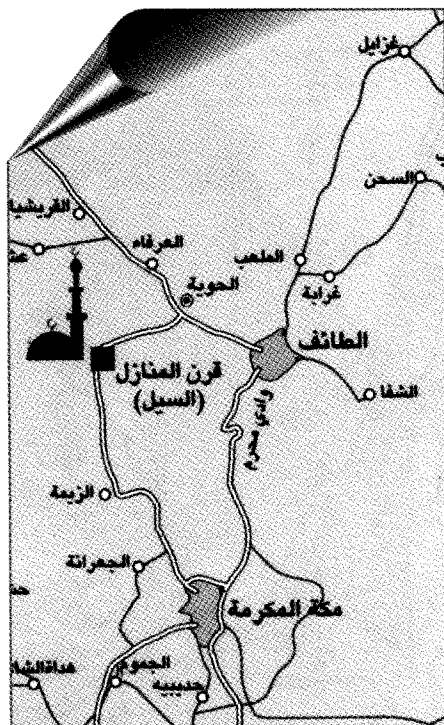
# فتوح حج



# قَرْنُ الْمَنَازِلِ

(پژوهشی نو در میقات حاجیان مناطق شرق حجاز)

علی ابراهیم المبارک / حسین شانه چی



قرن المنازل، یکی از میقات‌های حج است که پیامبر خدا ﷺ آن را تعیین نموده‌اند. این میقات که در مسیر مناطق شرق مکه به این شهر واقع است، مهم‌ترین و مشهورترین میقات برای حاجیان این نواحی به شمار می‌آید.<sup>۱</sup> از این رو، شناخت موقعیت جغرافیایی و وضعیت کنونی و نام‌های پیشین و امروزی این مکان، از اهمیت شایانی برخوردار است.

با مراجعه به آثاری که از این میقات سخن به میان آورده‌اند، اختلاف‌هایی در نام و محل دقیق و موقعیت آن دیده می‌شود که همواره سرگردانی محققان و دیگر مراجعان را به دنبال داشته است. می‌توان گفت که منشأ بخشی از این اختلافات در تشابه اسمی و سبب نام‌گذاری این میقات است و بخشی دیگر در توصیف‌های موقعیت جغرافیایی آن می‌باشد.

محقق معاصر، آقای علی ابراهیم المبارک، در پژوهشی گسترده، در آثار جغرافی‌دانان، سفرنامه‌نویسان و لغت‌نگاران و نیز کتاب‌های فقهی نگارش یافته در باره حج، کوشیده است ضبط صحیح نام این میقات، موقعیت جغرافیایی و محل دقیق و نخستین آن را با ارائه قرائن و شواهدی بایسته تعیین کند و نگاهی‌هایی را که در تعارض با آن بوده، به بوته نقد بگذارد.<sup>۲</sup>



نویسنده، مباحث خویش را در پنج فصل سامان داده است:

**فصل ۱:** ابتدا از سبب نگارش و ثمره این بحث و علل اختلاف در موضوع سخن گفته، آنگاه به بررسی واژه «قرن المنازل» و توصیف‌های بیان شده برای «القرن» و تشابه اسمی آن می‌پردازد.

**فصل ۲:** به بررسی در باره «قرن المنازل» و «وادی محرم» پرداخته و به یکی نبودن آن دو نظر می‌دهد.

**فصل ۳:** در این فصل، یکی بودن «قرن المنازل» با «السیل الکبیر» کنونی را به اثبات می‌رساند.

**فصل ۴:** با بررسی راه‌های طائف به مکه و بیان فاصله آنها از «قرن المنازل»، شواهد دیگری بر ادعای خود ارائه می‌کند.

**فصل ۵:** که آخرین فصل کتاب است، به مناقشه در برخی موضوعات جنبی می‌پردازد؛ از جمله یکی بودن «السیل الکبیر» با «ذات عرق» و اشتراک «السیل الکبیر» با «وادی محرم» در میقات را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد. آنچه در ادامه آمده، گزارش‌گونه‌ای است از این اثر پژوهشی ارزشمند:

## ۱. قرن المنازل...

با تأمل در سخنان مطرح شده در باره «قرن المنازل»، می‌توان اختلافات موجود را در سه احتمال منحصر دانست:

نخست آنکه، قرن المنازل همان «وادی محرم» است که در نزدیکی «الهدا» واقع شده. دوم، قرن المنازل همین مکانی است که امروزه «السیل الکبیر» نامیده می‌شود. سوم، قرن المنازل منطقه وسیعی است که هر دو محل را در بر می‌گیرد؛ به این صورت که «السیل الکبیر» بخش پایین آن و «وادی محرم» و «الهدا» سرزمین‌های بالایی آن است. در این میان، نکته حایز اهمیت آن است که این اختلاف، سبب ایجاد دو مکان برای احرام گشته، با نام‌های «میقات وادی السیل» و «میقات وادی محرم» (یا میقات هدا)، و حال آن‌که بی‌تردید، تنها یکی از آن دو، میقات رسول خدا ﷺ بوده و احرام از آن محل جایز است و محل دیگر باید «محاذی میقات» به شمار آید که تنها به حکم برخی فقیهان، محرم شدن در

آن بی اشکال است.

البته گفتنی است، بیشتر میقات‌هایی که پیامبر خدا ﷺ تعیین کرده‌اند، امروزه تغییر نام و مکان یافته است. نام نخست برخی از آنها به فراموشی سپرده شده و امروزه به نامی دیگر مشهوراند؛ مانند: میقات «ذات عرق» که «الضَّرِيبَة» و «الْخَرِيبَات» نام گرفته و «يَلْمَم» که «السَّعْدِيَة» و «قَرْن الْمَنَازِل» که «السَّيْل» و «الْهَدَا» نامیده می‌شوند. همچنین در برخی میقات‌های نخست، به جهت فراهم نبودن آب و دیگر نیازهای حاجیان و یا در امان نبودن از راهزنان، احرام بستن از آن محل رها شده و حاجیان در مکان مجاور آن، که امکانات خوراک و پوشاک کافی فراهم است، لباس احرام بر تن می‌کنند. مانند: «جُحْفَه» که امروزه محل نخستین آن ترک شده و راهیان حج از «رَائِع»، که محاذی جُحْفَه است، محرم می‌شوند. به هر حال، پیش از بررسی موقعیت جغرافیایی قرن المنازل، سخن از تشابه اسمی و ضبط دقیق نام آن، امری ضروری است.

این میقات را «قرن» نامیده‌اند؛ زیرا کوهی کوچک و تنها در آنجا وجود دارد و «قرن المنازل» نامیده شده؛ زیرا محلی است که راه‌های حاجیان مناطق شرقی، نجد و طائف و یمن به هم نزدیک می‌شوند و آنگاه این نام بر آن آبادی و وادی نیز نهاده شده است.

این میقات، در روایات و آثار لغت‌نویسان و فقهان پیشین، «قرن منازل» شناخته می‌شد. البته در بعضی روایات، نام آن «قرن» بدون هیچ اضافه نیز آمده است. همچنین برخی پیشینیان از جمله ابن اثیر و قاضی عیاض آورده‌اند که آن را «قرن الثَّعَالِب» نیز می‌نامند و بعضی دیگر نیز آن را «قرن المحرم» و «قرن الحوض» و «قرن المیقات» خوانده‌اند.

در علت نامیدن این مکان به «قرن المنازل» دو احتمال وجود دارد:

۱. «قرن» به معنای کوه کوچک و یا کوه تنها است؛ همچنان‌که ابن فارس، حموی، فیروزآبادی و قاضی عیاض به آن تصریح کرده‌اند و شاید اضافه شدن آن به منازل، به این جهت باشد که تنها کوه در منازل مسیر طائف به مکه است.

اما آنچه سبب ضعف این احتمال می‌شود آن است که «قرن المنازل» نام کوه نیست، بلکه نام یک آبادی یا یک وادی است که امروزه نیز به همین اسم شناخته می‌شوند. البته می‌توان گفت که نامگذاری این آبادی یا وادی به «قرن المنازل» به سبب وجود کوهی کوچک و تک



در آن مکان یا در مجاورت آن است که شواهدی نیز بر این مطلب می‌توان یافت. به این ترتیب، نامیدن آن آبادی و وادی به «قرن»، یا به سبب وجود کوهی کوچک و تک در آنجا است و یا «قرن» نام کوهی در آن منطقه بوده که به این روستا و وادی نیز اطلاق شده است و البته، در این صورت افزودن این اسم به «المنازل» جای بررسی بیشتر دارد.

۲. احتمال دیگر آن است که واژه «قرن المنازل» از «اقتران المنازل» به معنای «نزدیک شدن منزل‌ها» گرفته شده است؛ زیرا در این منطقه، منزلگاه‌ها و توقفگاه‌های آنان، که از نجد، طائف، عراق و یمن (البته از جاده صنعا) عازم مکه هستند، به یکدیگر نزدیک می‌شود و حاجیان برخی از این مسیرها در این محل به هم می‌پیوندند.

مؤید این نظریه، اختلاف روایاتی است که درباره قرن‌المنازل آمده، که برخی آنجا را میقات اهل نجد و طائف و بعضی میقات اهل نجد و یمن و گروهی میقات اهل نجد و بعضی میقات اهل طائف دانسته‌اند.

همچنین عبارتی که در معجم‌البلدان، از قابسی نقل شده، تأیید دیگری بر درستی این احتمال است.

وی «قَرْن» را کوهی مشرف بر محل دانسته و «قَرْن» را مکانی شمرده که راه‌های متعددی از آن منشعب می‌شود.

بنابراین، می‌توان گفت که این میقات را «قرن» نامیده‌اند؛ زیرا کوهی کوچک و تنها در آنجا وجود دارد و «قرن المنازل» نامیده شده؛ زیرا محلی است که راه‌های حاجیان مناطق شرقی، نجد و طائف و یمن به هم نزدیک می‌شوند و آنگاه این نام بر آن آبادی و وادی نیز نهاده شده است.

### «قَرْن» یا «قَرْن»؟

درباره شکل صحیح واژه «قرن» سه نظریه وجود دارد: برخی «قَرْن» را صحیح دانسته‌اند و بعضی «قَرْن» را و گروهی نیز با فتحه و سکون، هر دو را درست شمرده‌اند.

جوهری در «الصحاح» نظریه نخست را برگزیده و نوشته است: القَرْن؛ نام محلی است و آن میقات اهل نجد می‌باشد و اویس قرنی اهل همانجا بوده است.

بیشتر لغت‌نویسان، با آن‌که سخن وی را نقل کرده‌اند، اما آن را نپذیرفته و «القَرْن» را

صحیح دانسته‌اند؛ مانند فیومی در «المصباح المنیر» و ابن اثیر در «النهایه» و بغدادی در «مراصد الاطلاع» و ابن منظور در «لسان العرب».

افزون بر این، برخی دیگر آشکارا سخن جوهری را اشتباه دانسته و حتی نسبت «اویس قرنی» به آنجا را نادرست شمرده‌اند؛ مانند: فیروزآبادی در «القاموس». وی لقب اویس را منسوب به یکی از پدراناش دانسته است.

«معجم البلدان» نیز به نقل از غوری، وی را منسوب به قبیله‌ای از یمن شمرده است. در این میان، زبیدی در «تاج العروس»، با آن‌که نظریه جوهری درباره «قرن المنازل» را نادرست دانسته و از استاد خویش نقل کرده که در هیچ گویشی واژه «قَرْن» با فتحه ثبت نشده، اما می‌نویسد: در «الجمهره» و «الجامع» قرآن این واژه با فتحه ضبط شده که البته این سخن وی با مشابه همین نقل در «لسان العرب» تعارض آشکار دارد؛ زیرا که ابن منظور در آنجا به نقل از «الجمهره» و «الجامع»، «القَرْن» را اسم یک مکان و «القَرْن» را قبیله‌ای از یمن خوانده است.

به ناچار دو احتمال در سخن مؤلف تاج العروس وجود دارد:

الف: وی این سخن را از لسان‌العرب آورده اما در نقل آن اشتباه کرده است.

ب: آن را به نقل از دیگری آورده لیکن چون گوینده آن را مشخص نکرده، در تعارض با کلام نویسنده لسان‌العرب، دارای ارزش چندانی نیست.

خلاصه سخن آن‌که: از آنچه درباره این واژه مطرح شده، همان واژه «قَرْن المُنَازِل» صحیح است که بیشتر اهل لغت نیز به آن قائل شده‌اند.

### ویژگی‌های مکانی

در توصیف «قرن المنازل» نیز اختلافاتی وجود دارد؛ برخی آن را نام یک «کوه»، بعضی «منطقه»، بعضی دیگر یک «آبادی» و گروهی نیز «وادی» خوانده‌اند:

۱ معجم‌البلدان به نقل از مهلبی، می‌گوید: آن، روستایی است در ۵۱ مایلی مکه و ۳۶ مایلی طائف.

این قدامه می‌نویسد: روستایی است میان طائف و مکه.

ابن خردادبه و ادریسی آن را روستایی بزرگ و شیخ احمد رضا و برخی دیگر روستایی در طائف دانسته‌اند.



۲. فیروز آبادی، زبیدی، حموی و صفی‌الدین بغدادی آن را یک وادی شمرده‌اند.
۳. اصمعی، مطرزی، قابسی، فیومی، صفی‌الدین بغدادی، ملا علی، بلادی و برخی دیگر بر این باورند که آن، کوهی است مشرف بر عرفات.
۴. جوهری، ابن اثیر، رازی و ابن منظور آن را یک محل نامیده‌اند که میقات اهالی نجد می‌باشد.

پر واضح است که سخن گروه چهارم با نظریهٔ دستهٔ اول و دوم هیچ تعارضی ندارد؛ زیرا که اعم از هر دو است. اما اطلاق یک محل بر کوه سخنی غیر معمول است. همچنین نظریهٔ گروه اول و دوم قابل جمع است؛ زیرا شهرهای بسیاری هستند که به اسم وادی که در آن قرار گرفته‌اند، شهرت یافته‌اند و به عکس، برخی وادی‌ها نام شهری را که در آن واقع شده‌اند به خود گرفته‌اند؛ مانند: شهر «ینبع» که نام خود را از «وادی ینبع» در غرب مدینه وام گرفته است. بنابراین، «قرن المنازل» نیز می‌تواند هم اسم آن روستا و هم نام آن وادی باشد.

البته باید مشخص شود که محل دقیق میقات کجاست؟ آن زوستایی است که در آن منطقه واقع است و با این نام شناخته می‌شود، یا تمام آن وادی است؛ زیرا که حکم احرام در این دو صورت تفاوت خواهد داشت.

اما گروه سوم که قرن المنازل را کوه دانسته‌اند، منشأ سخن آنان به بیان اصمعی باز می‌گردد که گفته است: «القرن جبل مظل علی عرفات» قرن، کوهی مشرف بر عرفات است. با اندکی دقت در عبارت اصمعی آشکار می‌گردد که وی سخنی از «قرن المنازل» به میان نیاورده بلکه «القرن» را بدون اضافه به کار برده است و البته واژهٔ «القرن» به تنهایی بر محل‌های متعددی اطلاق می‌شود که برخی در همان منطقه و بعضی در دیگر مناطق قرار دارد؛ از جمله، بر «قرن المنازل» که میقات آن منطقه است و بر «قرن الثعالب» که کوه یا موضعی در مناست و بر «قرن البوباه» و «قرن الذهب» و «قرن غزال» و... آن چنان که بلادی در کتاب خود «قرن»‌ها را در حجاز از بسیاری غیر قابل شمارش دانسته است.

\*\*\*

از سوی دیگر باید توجه داشت که اختلاف در میقات، امروزه نه فقط در میان حاجیان این مناطق، بلکه در احکام فقیهان و کتاب‌هایشان نیز آشکارا راه یافته و در نتیجه برخی از آنان

قرن المنازل را کوهی مشرف بر عرفات خوانده و بعضی دیگر آن را همان قرن الثعالب دانسته‌اند.

اما از آنجا که فقها و اهل حدیث معمولاً اینگونه مطالب را از اهل لغت و جغرافیدانان وام می‌گیرند، منشأ توهم ایشان را باید در آثار همین دانشمندان جستجو کرد. با پژوهش در نگاشته‌های پیشینیان به روشنی می‌توان منشأ ادعای اول را همان سخن اصمعی دانست که پاسخ آن بیشتر گذشت و اما مبنای کلام دوم را باید نقل معجم البلدان از قاضی عیاض برشمرد که قرن المنازل را همان قرن الثعالب دانسته و آنگاه دیگران به تبع او این مطلب را در آثار خود (مانند النهایه، لسان العرب و مراصد الاطلاع) آورده‌اند.

بر این ادعا نیز کلمات پژوهشگران در یکی نبودن قرن الثعالب و قرن المنازل، پاسخ مناسبی خواهد بود؛ از آن جمله، در «اخبار مکه» آمده است: قرن الثعالب کوهی است مشرف بر بخش پایین سرزمین منا که با مکه ۱۵۰۰ ذراع فاصله دارد. «ریاض المسائل» نیز شبیه همین سخن را نقل کرده است. «معجم متن اللغه» قرن المنازل را نام یک آبادی یا تمام آن وادی دانسته که میقات اهل نجد است و قرن الثعالب را مکانی نزدیک مکه می‌داند.

همچنین «معجم معالم الحجاز» سخن قاضی عیاض را نادرست شمرده و قرن الثعالب را در منا می‌داند و روایانی نیز از بعضی قدمای شافعی نقل کرده که این دو، نام دو مکان است؛ یکی در پایین وادی، که قرن المنازل خوانده می‌شود و دیگری در قسمت بالای آن، که قرن الثعالب می‌نامند.

بنابر این، کوهی را که اصمعی در توصیف «قرن» بدان اشاره کرده، از آنجا که آن را مشرف بر عرفات دانسته، نمی‌تواند قرن المنازل و یا قرن الثعالب باشد و باید احتمالات دیگری بررسی گردد:

**الف: وادی محسّر:** گاه واژه «قرن» بر کوهی که در «وادی محسّر» قرار دارد اطلاق شده است.

حربی در «المناسک» این قرن را در مسیر منا به عرفات و در انتهای وادی محسّر شمرده و روایتی را از عطا نقل کرده که به این مطلب اشاره دارد.

همچنین فاکهی در «اخبار مکه» خبری را از ابن عباس روایت کرده که این سخن را تأیید می‌کند.





با این حال، این کوه را به سبب بُعد مسافت، نمی‌توان مشرف بر عرفات دانست بلکه تنها مشرف بر وادی محسّر و مزدلفه است.

**ب: جبل کرا:** در برخی از آثار، جبل کرا را کوهی در آبادی‌های نزدیک طائف معرفی نموده‌اند که محصولات باغی آن به مکه آورده می‌شود. اما نام قرن را نمی‌توان بر این کوه نهاد؛ زیرا چنانکه پیشتر بیان شد، قرن به کوهی کوچک و تک گفته می‌شود و حال آن‌که جبل کرا کوهی کشیده است که طول آن به ۱۵ کیلو متر می‌رسد.

**ج: جبل الرحمه:** مؤلف کتاب «معجم معالم

الحجاز» و برخی دیگر، کوهی را که اصمعی مشرف بر عرفات معرفی کرده، همان جبل الرحمه دانسته‌اند که در عرفات واقع است. این احتمال را برخی توصیف‌ها، که برای قرن آمده، تقویت می‌کند. اما این نظریه نیز پذیرفته نیست؛ زیرا این کوه در وسط صحرای عرفات قرار گرفته و نمی‌توان آن را مشرف بر عرفات دانست.

**د: قرن النابت:** فاکهی در «اخبار مکه» به قرنی اشاره می‌کند که در عرفات واقع است و به آن «النابت» گفته می‌شود که این احتمال نیز پاسخی مانند احتمال پیشین دارد.

**ه: کوهی در وادی عرنه:** احتمال دیگر آن است که کوه مورد اشاره اصمعی، همان کوهی است که در مرز وادی عرفه و داخل وادی عرنه قرار گرفته و چون بیرون از منطقه عرفات و بر مرز آن واقع شده، می‌توان آن را مشرف بر عرفات خواند.

فاکهی روایتی را از ابن عباس نقل کرده که



شاهدی بر این احتمال است.

افزون بر این، احتمالات دیگری نیز درباره کلام اصمعی بیان شده، اما بی تردید قرنی که او توصیف نموده، قرن المنازل نیست.

خلاصه سخن آن که، گرچه سخنان متفاوتی درباره «قرن المنازل» مطرح شده، لیکن با این حال، تردیدی نیست که این مکان یکی از میقات‌های حج است که از سوی پیامبر خدا ﷺ تعیین گردیده، بدین جهت، در ادامه سخن برآنیم تا محل دقیق «قرن المنازل» را مشخص کنیم تا آشکار شود که قرن المنازل در «وادی محرم» و نزدیک «الهدا» واقع شده یا همان مکانی است که امروزه «السیل الکبیر» نامیده می‌شود و یا چنانکه برخی معتقدند این دو مکان، هر دو در وادی قرن المنازل قرار گرفته‌اند و تمام آن منطقه میقات است.

## ۲. وادی محرم...

«وادی محرم» نام محلی در نزدیکی طائف است که بسیاری از حاجیان آن نواحی، که از مسیر «الهدا» عازم مکه هستند، در آنجا محرم می‌شوند. البته برخی نیز آن را «مِيقَاتُ الْهَدَا» و «محرم الهدا» می‌نامند؛ زیرا در بخش پایین آن وادی و در سمت مکه، آبادی «الهدا» قرار دارد.

این وادی از سمت غرب، میان کوه‌های «غفار» و از شرق به کوه «غمیر» و از سمت جنوب در دامنه کوه «کرا» قرار گرفته است و مسیر آن به مکه، از کوه کرا و وادی نعمان و عرفات می‌گذرد.

در کتاب‌های بسیاری شواهد و قرائن متعدد بر یکی بودن وادی محرم و قرن المنازل ارائه شده است. این شواهد را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. سخنان آنان که قرن المنازل را همان «الهدا» دانسته‌اند ۲. توصیفات که قرن المنازل را کوهی مشرف بر عرفات گفته ۳. برخی مشخصات که برای این قرن بیان شده است.

عیاشی از کسانی است که نگاهش شاهد بر یکی بودن قرن المنازل و وادی محرم دانسته شده؛ وی در سفر نامه‌اش، به هنگام توصیف مکان‌هایی که در مسیر الهدا به طائف، از آنها گذر نموده، از میقات اهل نجد نام برده است.



با این حال، وی در عباراتش هیچ سخنی از قرن المنازل به میان نیاورده، بلکه میقات نجدیان را در آن مسیر «قرن الثعالب» گفته است و چنانکه اشاره شد در روایات میقات اهل طائف و نجد هیچ نامی از قرن الثعالب به میان نیامده و این نامگذاری تنها در آثار برخی از لغت‌نگاران دیده می‌شود که نادرستی آن بیان شد.

همچنین نویسنده کتاب «الرحله المقدسه»، به هنگام توصیف میقات اهل نجد و طائف، بیان کرده است که نام این مکان در زمان پیامبر، قرن المنازل یا وادی محرم بوده است. خطا بودن این سخن نیز آشکار است؛ چنانکه اشاره کردیم «وادی محرم» نامی است که در کتاب‌های متقدمان یافت نمی‌شود تا چه رسد به زمان پیامبر خدا ﷺ.

سومین شخصی که وادی محرم و قرن المنازل را یکی دانسته، عبدالحمید مرداد است. وی در چندین مورد از کتابش، «رحلة العمر»، این دو اسم را نام یک مکان و همان میقات نجدیان و اهل طائف برشمرده است.

پاسخ این مدعا نیز با اندکی تأمل در کتاب وی آشکار می‌گردد؛ زیرا موارد متعددی را می‌توان در این اثر یافت که گویای کم آگاهی و آشنا نبودن نویسنده با نام‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی منطقه است. از این رو، به نظر می‌رسد که وی با مشاهده محرم شدن حاجیان در وادی محرم و تطبیق این موضوع با روایات میقات، این محل را همان قرن المنازل معرفی کرده است.

دومین قرینه یکی بودن این دو مکان، توصیفی است که این دو را کوهی مشرف بر عرفات برشمرده، که البته به منشأ و نادرستی این سخن اشاره کردیم.

و سومین شاهد آن است که در عبارات برخی جغرافی دانان آمده است: قرن المنازل میقات اهل یمن و در مسیر آنجا به مکه واقع شده است و لازمه این موضوع، قرار داشتن قرن در جنوب شرقی مکه و در نزدیکی «الهدا» و یکی بودن آن با وادی محرم است؛ زیرا یمن در جنوب مکه به سمت شرق قرار دارد و نمی‌توان قرن المنازل را با «السیل الکبیر» که در شمال شرقی مکه است، یکی دانست.

در پاسخ این ادعا باید گفت: اولاً بیشتر فقیهان اهل سنت، قرن المنازل را میقات اهل نجد گفته‌اند و عموم روایاتشان نیز شاهد آن است و دانشمندان امامیه نیز هم نظرند که قرن المنازل میقات اهل طائف است و بیشتر روایاتی که نقل می‌کنند، گویای این سخن است. البته در

روایات اندکی، قرن المنازل، میقات اهل یمن و نجدیان عقیق نیز گفته شده است؛ همچنان که برای اهل یمن، میقات یلملم نیز ذکر شده است.

جمع این روایات به دو گونه ممکن است؛ نخست آن که می توان گفت: این روایات شاهد آن است که ساکنان منطقه وسیع نجد از دو مکان می توانند محرم شوند؛ حاجیان شمال نجد همراه با اهل عراق از «عقیق» و حاجیان منطقه شرق نجد، از «قرن المنازل».

دوم آن که برای حاجیان نجد، دو مسیر وجود دارد: یکی از «عقیق» به مکه است و دیگری از «قرن المنازل». به مانند همین سخن برای ساکنان یمن نیز گفته شده است؛ یعنی حاجیان یمنی برای رسیدن به مکه دو مسیر را می توانند پیمایند: یکی مسیر داخلی یمن که از «قرن المنازل» می گذرد و دیگری مسیر ساحلی، که از «یلملم» عبور می کند.

به این ترتیب، میقات بودن قرن المنازل برای حاجیان یمن، لازمه اش در جنوب شرقی مکه قرار داشتن آن و یکی بودن با وادی محرم نیست.

و افزون بر این، عبارات متعددی در آثار سفرنامه نویسان و دانشمندان جغرافیا یافت می شود که آشکارا مسیر حاجیان یمن را از «السیل» نعی کرده است.

همچنین برخی نویسندگان مسیر اهل یمن را از «نخله یمانیه» گفته اند و «نخله یمانیه» نیز در شمال شرق مکه و نزدیک به «السیل» و جاده آن قرار دارد.

و بعضی دیگر در توصیف مسیر یمن به مکه، از «زیمه» و «سوله» نام برده اند که این دو محل نیز، در کنار نخله یمانیه واقع اند.

و نیز در برخی نقل ها، در مسیر یمن به مکه نام «چاه ابن المرتفع» و «المشاش» آمده که هر دو محل هایی نزدیک السیل می باشد. علاوه بر اینها، در آثار عده ای از معاصرین نیز تصریح شده که نام کنونی قرن المنازل «السیل الکبیر» بوده است.

از سوی دیگر قرائن و شواهد بسیاری وجود دارد که یکی نبودن «قرن المنازل» و «وادی محرم» را تأیید می کند؛ از جمله می توان به آثاری اشاره کرد که جاده جبل کرا و مسیر الهدا (در کنار وادی محرم) به مکه را توصیف کرده و نام مکان های این مسیر را آورده اند و حال آن که از قرن المنازل هیچ سخنی نگفته اند.

خلاصه سخن آن که، هیچ یک از شواهد و قرائن ارائه شده نمی تواند یکی بودن قرن المنازل با وادی محرم را به اثبات رساند، بلکه تردیدی در جدا بودن این دو از یکدیگر نیست.



### ۳. السیل الکبیر...

السیل الکبیر منطقه‌ای است میان مکه و طائف که با کوه‌های متعدد احاطه شده و از مرکز آن تا مکه، حدود ۷۸ کیلومتر و از محلی که حاجیان در آن محرم می‌شوند تا این شهر ۷۵ کیلومتر و فاصله‌اش تا طائف ۵۳ کیلومتر می‌باشد.

در گذشته، منزلگاه و استراحتگاهی در آن منطقه به پا بوده و امروزه به جای آن، میان دو نخله شامیه و یمانیه روستایی بزرگ با برخی مراکز دولتی به چشم می‌خورد.

سبب نامگذاری این منطقه به «السیل» وجود نهری است که در تمام سال، در آن جاری است. منطقه کوچک دیگری نیز به همین نام وجود دارد که آن را «السیل الکبیر» گویند.

از آثار پیشینیان و معاصران، قرائن و شواهد بسیاری در دست است که یکی بودن این مکان با میقات قرن المنازل را تأیید می‌کند؛ آنچنان که جای هیچ تردید باقی نمی‌گذارد؛ از جمله آنها کلمات پژوهشگران و دانشمندان و مردم منطقه است. با پژوهش در آثاری که در باره این منطقه نگاشته شده، عبارات بسیاری می‌توان یافت که برخی با صراحت نام امروزی قرن المنازل را السیل الکبیر گفته‌اند و بعضی نیز توصیفات و سخنانشان گویای آن است.

رشدی الصالح می‌نویسد: قرن المنازل در مسیر نجد و یمن قرار دارد و امروزه آن را السیل می‌گویند.

عبدالوهاب عزام نیز آورده است: «السیل» منطقه پهنای است که اطراف آن را کوه‌ها احاطه کرده‌اند. این منطقه در مسیر مکه و ریاض واقع شده و حاجیان نجد و طائف از آنجا محرم می‌شوند و در آن، روستای قرن المنازل قرار دارد که در کتاب‌های فقهی به عنوان میقات ساکنان نجد از آن نام برده شده است.

عبدالجبار و عبدالعزیز الرفاعی در بخشی از گزارش خود از عربستان می‌نویسند: آنگاه به سمت السیل الکبیر رفتیم که در گذشته به قرن المنازل شهرت داشت و حاجیان طائف و نجد در آن محرم می‌شوند.

شیخ فرج عمران نیز نوشته است: محل احرامی که اکنون به السیل شهرت یافته، یکی از میقات‌هایی است که پیامبر خدا برای ساکنان مناطق شرقی تعیین فرمود و همان است که قرن المنازل نامیده می‌شده و پیامبر آن را برای اهل طائف معین کرده است.

همچنین محمد طاهر کردی، حمد جاسر، عبدالله بن خمیس و ابن بلهید و بسیاری دیگر

به این موضوع تصریح کرده‌اند.

افزون بر این، در برخی سفرنامه‌ها و گزارش‌های نگارش یافته از این منطقه، نقل قول‌های متعددی از ساکنان و آگاهان به نام‌های این سرزمین آمده که گویای یکی بودن السیل الکبیر امروزی با قرن المنازل گذشته است.

در آثار دانشمندان جغرافیای پیشین نیز، که به تعیین موقعیت جغرافیایی قرن المنازل پرداخته‌اند، توصیفات و خصوصیات دیده می‌شود که با مشخصات جغرافیایی وادی محرم هیچ تناسبی نداشته، بلکه با خصوصیات السیل الکبیر برابری دارد و این خود شاهدی است گویا بر یکی بودن این دو مکان. از جمله این وصف‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

صبح الأعشی، ابن قدامه و ابن خردادبه در توصیف مسیر مکه به قرن المنازل، از محلی با نام «چاه ابن مرتفع» یاد کرده‌اند. این محل امروزه در مسیر حاجیان عراق به مکه و اکنون مجاور جاده السیل و به دور از وادی محرم قرار دارد.

همچنین از عبارتی که در معجم البلدان، مراصد الاطلاع، المصباح المنیر و برخی منابع دیگر آمده، چنین بر می‌آید که قرن المنازل در «نخله یمانیه» یا نزدیک آن بوده است و از آن جهت که «نخله یمانیه» در شمال مکه و در مسیر عراق و با فاصله زیاد از وادی محرم قرار گرفته، نمی‌توان قرن المنازل را با وادی محرم یکی دانست، بلکه منطقه‌ای که در این حوزه و در مسیر نخله یمانیه واقع شده، السیل الکبیر است.

افزون بر این، در آثار پیشینیان، قرن المنازل در نزدیکی «زیمه» و «سوله» و در مسیری که از آن دو مکان می‌گذرد وصف شده است و «زیمه» و «سوله» دو آبادی در نخله یمانیه است. همچنین در مسیر طائف به قرن المنازل و مکه، از مکانی به نام «مشاش» نام برده شده و «مشاش» محلی است در مسیر جاده السیل الکبیر و میان مکه و شراخ (حنین) قرار دارد.

همچنین در مسیر قرن المنازل به طائف، از گردنه یا مکانی کوهستانی به اسم «بویه» یاد شده است. این محل که امروزه «بهیته» نامیده می‌شود، در بخش فوقانی نخله یمانیه و در نزدیکی جاده السیل الکبیر واقع است.

علاوه بر موارد بالا، قرینه‌ها و نمونه‌های متعدد دیگری نیز موجود است که به جهت اختصار، در این نوشتار ذکر نگردید، که نمی‌توان پذیرفت میقات قرن المنازل وادی محرم باشد بلکه تنها با یکی بودن این میقات با السیل الکبیر امروزی تناسب دارد.



#### ۴. راه‌های ارتباطی...

یکی دیگر از راه‌های شناخت موقعیت «قرن المنازل»، بررسی مسیرهای ارتباطی میان طائف و مکه است که آشکارا یکی بودن آن را با «السیل الکبیر» امروزین به اثبات می‌رساند. در ادامه برای تأیید بیشتر موضوع به بررسی برخی از این راه‌ها می‌پردازیم:

##### الف: مسیر قرن، همان مسیر حرکت کاروان هاست

از جمله اموری که یکی بودن قرن المنازل را با السیل الکبیر تأیید می‌کند، نامی است که برخی سفرنامه نویسان بر مسیر السیل نهاده‌اند.

محمد صادق پاشا و البتونوی و بعضی دیگر، در سفرنامه‌های خود این مسیر را «راه کاروان»، «جاده» و «مسیر شتران» نامیده‌اند. پر واضح است که بیشتر حاجیان این مسیر، از مناطق دور دست؛ مانند عراق و بحرین و نجد می‌آمده‌اند و به سبب طولانی بودن مسافت تنها می‌توانسته‌اند از برای حمل بارهای خود از شتر استفاده کنند. از سوی دیگر مسیر وادی محرم به سبب گذر از کوه‌های کرا، راهی سنگلاخ، سخت و دارای گردنه‌های باریک بوده که برای عبور شتران و کاروان‌ها کار را بس دشوار می‌نموده و در عوض راه یمانیه - که از السیل عبور می‌کند - مسیری آسان و بدون مشکل بوده که امکان تردد کاروان‌های متعدد و شتران آنها را داشته است

##### ب: آسان بودن مسیر السیل

افزون بر این، نقل شده که پیامبر خدا ﷺ در مسیر غزوه‌ای که به طائف داشتند، همراه با سپاهیان، از قرن المنازل عبور کرده‌اند. بی تردید هر فرمانده لشکری جز در شرایط خاص، سعی می‌کند سپاهیان خود را از مسیری به میدان کارزار منتقل کند که توان کمتری از آنان هدر رود و صدمه کمتری را متحمل شوند و با وصفی که از مسیر وادی محرم و الهدا آوردیم، مسلماً پیامبر خدا از راه السیل که از گردنه‌ها و مشکلات آن مسیر عاری بوده، عبور نموده‌اند. همچنین آسان بودن گذر از مسیر السیل و سختی و دشواری راه کرا در آثار جغرافی دانان و سفرنامه نویسان آشکارا دیده می‌شود.

از جمله عبدالحمید مرداد در توصیف این دو راه، گذر از مسیر کرا را به سبب دشواری راه‌های کوهستانی آن، تنها با کمک قاطر و الاغ ممکن دانسته است.

محمد صادق پاشا در «الطائف» و عیاشی در «ماء الموائد» ملک عبدالله در «مذکراتی» و عبدالله بن خمیس در «المجاز بین الیمامه و الحجاز» نیز به سختی راه وادی محرم و آسانی مسیر السیل تصریح نموده‌اند.

علاوه بر بررسی موقعیت جغرافیایی راه‌ها، محاسبه مقدار مسافت‌های میان قرن المنازل تا مکه از یک سو و تا طائف از سوی دیگر و مقایسه آن با مقدار مسافت‌های وادی محرم تا این دو شهر شواهد مفید دیگری را بر یکی بودن قرن المنازل با السیل الکبیر به دست می‌دهد.

## ۵. پاسخ به چند ابهام...

۱. برخی گفته‌اند: «السیل» همان میقات ذات عرق است و این ادعا را به عبدالله بن باز (مفتی سابق عربستان) نسبت داده و نقل کرده‌اند که وی در چاپ اول مناسک خود گفته است: «السیل، همان ذات عرق است و قرن المنازل همان الهدا است.» اما در چاپ‌های بعد نظر خود را تغییر داد و السیل را با قرن‌المنازل یکی دانست.

گرچه ما ناقل این سخن و مصدر آن را نیافتیم اما با فرض درستی این نقل، پاسخ آن روشن و آشکار است؛ نخست آن‌که تغییر نظر شیخ در چاپ‌های بعد، بهترین شاهد بر نادرستی ادعای اول اوست و دوم آن‌که گرچه ایشان عالم بزرگ عربستان و از فقهای سلفیون بوده، اما از آنجا که تعیین موقعیت جغرافیایی، از مسائل فقهی به شمار نمی‌آید و در حیطه دانش جغرافیا است، اظهار نظر در باره آن، نیاز به آگاهی و تخصص در این حیطه دارد که شیخ به این تخصص شهرتی نداشته است.

و افزون بر این، چنانکه پیشتر ملاحظه کردید، دلایل و شواهدی که ارائه کردیم، آشکارا بر خلاف این ادعا است.

همچنین ملک عبدالله بن الحسین، به هنگام توصیف مسیر کاروان‌های مکه به طائف، از زیمه و سوله و ذات عرق نام می‌برد و نام کنونی آن را السیل می‌داند.

اما آنچه ملک عبدالله در کتاب خود آورده، علاوه بر تعارض با کلام دانشمندان و محققان و جغرافی دانان، که بدان اشاره کردیم و مخالفت با دلایل یکی بودن قرن المنازل و السیل مشکل دیگری نیز دارد؛ زیرا ذات عرق در مسیر مکه به طائف نیست بلکه در مسیر مکه به عراق قرار دارد و البته این دو مسیر در مشاش از نخله یمانیه به هم می‌پیوندند و احتمالاً به





سبب نزدیک بودن السیل با ذات عرق، این دو یکی دانسته شده است. گفتنی است که مسیر مکه به طائف به دو گونه است:

الف: مکه، شرایع (حنین)، سوله، زیمه، السیل الکبیر (قرن المنازل)، مشاش، طائف.

ب: مکه، منا، مزدلفه، عرفه، نعمان، جبل الکرا، الهدا (وادی محرم)، طائف.

و اما ذات عرق در شمال غربی قرن المنازل و شمال شرقی مکه و در مسیر عراق قرار گرفته است.

مسیر مکه به عراق: مکه، مسلخ، غمره، ذات عرق، بستان، مشاش.

همچنین با بررسی موقعیت جغرافیایی ذات عرق و السیل و دقت نظر در نقشه‌های ترسیم شده از این دو محل و همچنین بررسی اقوال جغرافی دانان، یکی نبودن و فقط نزدیک بودن این دو مکان به روشنی آشکار می‌گردد.

**برآنیم تا محل دقیق «قرن المنازل» را مشخص کنیم تا آشکار شود که قرن المنازل در «وادی محرم» و نزدیک «الهدا» واقع شده یا همان مکانی است که امروزه «السیل الکبیر» نامیده می‌شود و یا...**

خلاصه سخن آن‌که: به فرض پذیرفتن این ادعا، السیل الکبیر یا میقات قرن المنازل است و یا ذات عرق؛ و در هر دو صورت یکی از میقات‌های پیامبر خدا است که از منظر فقهاتی محرم شدن در هر یک از آن دو صحیح و جایز است. اما الهدا (وادی محرم) چنانچه همان میقات قرن المنازل باشد (که اثبات کردیم که نیست) احرام از آن جایز است و اگر چنین نباشد محاذی میقات خواهد بود که محرم شدن از آن صحیح نیست، مگر به حکم فقیهانی که احرام را از محاذی روا دانسته‌اند.

۲. همچنین برخی جاده السیل را نوساز دانسته و از این رو مسیر قدیم حاجیان را جاده الهدا و در نتیجه مکان محرم شدن را نیز همان وادی شمرده‌اند.

نادرستی این مدعا با مراجعه به آثار دانشمندان جغرافی دان پیشین، که راه‌های مکه به طائف را توصیف نموده‌اند، به روشنی آشکار می‌گردد؛ زیرا که نگاشته‌های آنان از گذشته دور مسیر کاروان‌های جاده یمانیه (نخله یمانیه) بوده که امروز همان جاده السیل است.

۳. همچنین بعضی نویسندگان معاصر کوشیده‌اند که الهدا (وادی محرم) را داخل در قرن المنازل معرفی کنند، به این صورت که تمام آن منطقه را قرنی دانسته‌اند که قرن المنازل در قسمت پایین و وادی محرم در بخش بالای آن قرار گرفته است و مدعی شده‌اند که بر هر یک از دو منطقه «السیل الکبیر» و «وادی محرم» نام قرنی که میقات شرعی است اطلاق شود و از این رو وادی محرم میقاتی مستقل نیست بلکه داخل در قرن المنازل است و قرن بر تمام این وادی گفته می‌شود؛ چه از مسیر السیل الکبیر به آن وارد شویم، چه از مسیر الهدا.

پاسخ این است که در آثار پیشینیان، هیچ سخن یافت نمی‌شود که وادی قرن المنازل را بر وادی الهدا و جبل کرا که در آنجا قرار دارد، شامل بداند بلکه شواهد گویای مجاورت قرن المنازل با نخلة یمانیه است و اطلاق قرن بر وادی محرم سخنی غیر مشهور و نادرست است. همچنین تمام شواهدی که برای تعیین موقعیت جغرافیایی میقات پیامبر خدا ﷺ ارائه کردیم، بر قرار داشتن این میقات در بخش پایین وادی اشاره دارد و سخنی از بخش بالای آن و وادی محرم در میان نیست.

خلاصه سخن آن‌که، بی تردید ملاک و مبنای تعیین دقیق «میقات قرن المنازل» تنها کلمات پیشینیان است که بر یکی بودن آن با «السیل الکبیر» امروزین گواه است.

### بی‌نوشت‌ها:

۱. حاجیان مناطق شرق، عبارت‌اند از: ساکنان طائف، نجد، استان الشرقیه، سواحل شرقی جزیره العرب، بحرین، عمان، یمن. حاجیان کشورهای شرق و شمال شرق آسیا که از طریق این سرزمین‌ها به مکه مکرمه می‌روند.
  ۲. نویسنده محترم، در مقدمه کتاب خویش اشاره کرده است که این اثر با پژوهشی وسیع و طاقت فرسا در کتاب‌خانه‌های بحرین، کویت، عربستان و ایران و سفر به مناطق مورد بحث و در مدت ۱۲ سال - از ۱۴۰۹ تا ۱۴۲۱ ه. ق. - به ثمر رسیده است. از این رو، می‌توان گفت که تلاش شایسته مؤلف، افزون بر آشنایی وی با منطقه جزیره و گزارش‌های بسیار و دقت‌های ایشان در این اثر، پژوهشی ارزنده و در خور تأمل را فراهم آورده است.
- البته، به گفته نویسنده گرامی، بخش‌هایی از این پژوهش با شتابزدگی در شماره‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مجله «میقات الحج» نگارش یافته که با کتاب حاضر تفاوت‌های چشمگیری دارد.